

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت
سال سوم، شماره پنجم / بهار و تابستان ۱۳۹۹ش - ۱۴۴۲ق، صص ۱۳۶-۱۱۷

سبک شناسی سوره تکویر

محمد فراهانی^۱

مهدی داودی نسب^۲

(تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱۱)

چکیده

پژوهش حاضر بر اساس سبک شناسی به بررسی آواشناسی و ساختارهای صرفی و نحوی و بلاغی سوره تکویر می‌پردازد. موسیقی آیات سوره تکویر دارای نظم شگفت‌انگیز است و ارتباط بسیار دقیق با معانی و مقاصد آیات دارد همنشینی واژه‌ها، نظام آوایی و معنایی این سوره متن زیبایی ادبی را به وجود آورده‌است. هم‌چنین انتخاب واژه‌های به کار رفته در جملات و عبارات‌های سوره تکویر به گونه‌ای هدف‌مند است که هر واژه با ساختار صرفی‌اش در جایگاه خود در جمله قرار گرفته است. به علاوه، کلمات نیز دارای فصاحت و عاری از عیوب بلاغی می‌باشد. در سوره تکویر چیدمان کلمات و عبارات و نظم و موسیقی آنها، با معنا و مفهوم آیات، متناسب و هماهنگ است، به طوری که با خواندن آن می‌توان تصویر برخی از حوادث را در آستانه قیامت و بعد از آن دریافت کرد.

کلید واژه‌ها: قرآن، سبک شناسی، تفسیر، بلاغت، قرآن کریم؛ سبک شناسی؛ سوره تکویر

^۱ استادیار گروه تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم farahani314@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد علوم قرآنی daviidi n@gmail.com

مقدمه

بدون تردید زبان مهم‌ترین ابزار ارتباط و پیوند میان انسان‌ها برای بیان مفاهیم ذهنی آنهاست و هر زبانی را اسلوبی است که در آن با گزینش و چینش کلمات به روح و جان شنونده یا مخاطب تأثیر می‌گذارد بر همین اساس سخنوران و ادیبان و اهل فن در این وادی برای سنجش ارزش سخن، معیارهایی ارائه نموده‌اند و در این میان قرآن کریم را بهترین و برترین الگوی این مهم برشمرده‌اند و تمام اسلوب‌های بکار رفته در آن را نمونه والای فصاحت و بلاغت دانسته‌اند که هرکس بنا به قابلیت‌ها و درک و فهم خویش می‌تواند از این دریای بی‌کران معانی بهره‌برد. در مقام ممتاز ادبی و بلاغی قرآن، همین بس که شیواسرایان عرب هرگز نتوانسته‌اند به سبک و روش آن سخن بگویند؛ زیرا ساختار بیانی آن بسیار متعالی است و فنون ادبی و بلاغی چنان ظریف و مستحکمی در آن به کار رفته است که هر باریک‌اندیشی را به وجد می‌آورد. اتقان ساختار ادبی آن تا جایی است که هر واژه، بلکه هر زیر و بمی در آن از حساب ویژه‌ای برخوردار است.

تمام سوره‌ها و تک تک آیات قرآن از ویژگی‌های مذکور در حد اعلائی برخوردار است یکی از سوره‌هایی که نکات بلاغی و ادبی فراوانی در آن بکار رفته سوره تکویر است که در این مقاله سعی بر آن است این سوره را در چهار سطح آوایی، صرفی، نحوی و بلاغی بررسی کند و از این رهگذر گوشه‌هایی از لطایف، دقایق و رموز هنری و ویژگی‌های زیباشناختی قرآن را آشکار سازد.

مفهوم شناسی سبک و سبک شناسی

واژه سبک مصدر ثلاثی مجرد عربی است به معنی گذاختن و ریختن و قالبگیری کردن زر و نقره و «سبیکه» به معنی پاره زر و نقره گذاخته و قالبگیری شده مشتق از آن است. (غلامرضایی، صص ۱۶-۱۵) السَّبِيكَةُ: القِطْعَةُ المَذَابِهُ المتطاولَةُ من الذهب و نحوه. الجمع: سَبَائِك. سَبِك المَعْدِنِ يَسْبِكُه يَسْبِكُه سَبِكًا و سَبَكه: أَذَابَه و خَلَصَه من خَبَثِه و أَفْرَغَه فِي قَالِب.

السَّبِك: سَبَك الذهب و نحوه من الذَّوَابِهُ يَسْبِكُه سَبِكًا: ذَوِبَه و جعله في قالب، فانسَبِك.

و السَّبِيكَةُ: القِطْعَةُ المَذَابِهُ. الجمع: سَبَائِك.

السَّبَكُ: سَبَكُ الْمَعْدِنِ يَسْبِكُهُ سَبَكًا وَ سَبَكَةً: أذَابَهُ وَ خَلَصَهُ مِنَ الْخَبَثِ ثُمَّ أَفْرَغَهُ فِي قَالِبٍ فَانْسَبَكَ. وَ السَّبَّكَ: صَانِعٌ ذَلِكَ.

و السَّبِيكَةُ: الْقِطْعَةُ الْمَسْتَطِيلَةُ مِنْ أَى مَعْدِنٍ كَانَتْ. (حسین یوسف؛ سعیدی، ۱۳۹۴/۲).

محمد تقی بهار «سبک» را معادل «استیل» اروپایی و آن را مأخوذ از لغت «استیلوس» یونانی به معنی «ستون» بیان کرده‌است. «استیلوس» در زبان یونانی به وسیله فلزی یا چوبی و یا عاج اطلاق می‌شده‌است که به کمک آن در زمان‌های قدیم حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش می‌کرده‌اند. (بهار، ۱۸).

سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القاء می‌کند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت می‌باشد. (بهار، ۱۸).

در آثار کهن عربی «سبک» بیش‌تر به معنی طرز نگارش و ترکیب و تألیف کلام است و کلامی - توان گفت که قدما در بحث سبک به جنبه ظاهری و بیرونی کلام توجه داشتند و به فکر و بینش گوینده نمی‌پرداختند.

الگین یک از زبان‌شناسان می‌گوید: *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

« سبک شناسی به کاربرد اصول زبان‌شناسی در زبان ادبی تلقی می‌گردد». (بهار، ۹/۱). دانشی که از مجموع جریان سبک‌های مختلف یک زبان بحث می‌کند، سبک شناسی نامیده می‌شود. سبک شناسی (Stylistics) می‌کوشد تا متن را از لحاظ زیبایی شناسی بدون توجه به تاریخ و جامعه و زندگی پدید آورنده که اموری خارج از متن‌اند بررسی و تحلیل کند؛ همان‌طور که جورج مانون در تعریف سبک شناسی می‌گوید: سبک شناسی بررسی ویژگی‌های زبانی است که به واسطه آن متن از سیاق اخباری خود دور می‌شود و وظیفه اثرگذاری همراه با زیبایی ادبی را به عهده می‌گیرد. در نقد عربی سبک شناسی را در قرن گذشته و در دهه هفتم عقیف دمشقیه و عبدالسلام المسدی و محمد الهادی الطرابلسی آغاز کردند.

کلیاتی در باره سبک قرآن

علم سبک شناسی از علومی است که از قرآن نشأت گرفته است و دانشمندان اسلامی در طرح مباحث بلاغی و زبانی قرآن، اولین الگو برای دانشمندان سایر ملل و نحل بوده‌اند و گرچه نام سبک بر آن نهاده‌اند، اما مباحث اساسی را ایشان مطرح کرده‌اند.

سبک شناسی قرآن دارای شمولی ویژه است و پرداختن بدان معلوماتی گسترده می‌طلبد. اگر بتوانیم از جنبه ادبی بر متخصصان محتوایی قرآن نُرم فکری اطلاق بکنیم، برای غیر «من خوطب به و الراسخون فی العلم» این نرم‌های فکری چنان که باید، دریافتنی نیست. موضوعات گوناگون سبکی قرآن از سایر علوم و فنون مستثنا نیست، بدین معنی که ابتدا عملی می‌شود سپس در صدد مرتب و مدون نمودن آن برمی‌آیند.

قرآن از ویژگی‌های فراسبکی، فرازبانی، فراهنجاری فرامنطقی و فراعلمی مشحون است. علاوه بر تفسیر دارای تأویل است که جز خدا و رسول و راسخان در علم نمی‌توانند بدان دست یازند. قرآن از ویژگی‌های جریان و سریان در تمامی زمان‌ها برخوردار و کتاب هدایت است. (دیانتی، ۱۱۸/۲).

سبک قرآن از ازل تا ابد، منحصر به فرد است و می‌باید به عنوان یک مکتب ادبی بر فراز مکاتب ادبی در طول تاریخ جنبه الگویی داشته و در تنظیم آثار هدایت خیز از ابعاد گوناگون مورد سرمشق قرار گیرد؛ هرچند به صورت پنهان این نقش را دارد. قرآن دارای یک متد و سبک تازه‌ای است که هیچ‌گاه کهنگی در آن راه ندارد. زیبایی و ویژگی شعر را دارد، آزادی نثر و جمال سجع را دارد، با این حال، تکلف سجع و نقصی که در نظم به خاطر رعایت وزن و قافیه مشهود است، در قرآن وجود ندارد. با وجود این، ترکیبی از هر سه می‌باشد. قرآن از میزان کلام عرب خارج نشده، در عین حال سبک جدید و نوین‌یاد و بی‌سابقه‌ای ارائه داده‌است. (معرفت، ۹۷/۶).

قرآن برای سخن‌سنجان از نظر بلاغت، برای حکما از نظر حکمت، برای دانشمندان از جنبه‌های علمی، برای جامعه‌شناسان از جهات اجتماعی، برای قانون‌گذاران از نظر قوانین علمی و برای سیاست‌مداران از حیث حقایق سیاسی، برای هیأت‌های حاکمه از لحاظ طرز حکومت و برای

عموم مردم جهان از جهت بیان احکام و اخلاق، الگوهایی جامع ارائه داده‌است. این ویژگی و نرم سبک قرآن است. (طباطبایی، ۱/۷۳).

معرفی سوره تکویر

۱ - نام‌های سوره

۱) این سوره را «کُورَت» می‌نامند؛ زیرا این کلمه در اولین آیه این سوره به کار رفته و از کلمات سرآغاز آن است و سوره‌های قرآن معمولاً با کلمات سرآغازشان نامگذاری می‌شوند. «کورت» فعل ماضی از مصدر «تکویر» است و پیچیده شدن و یا تاریک شدن چیزی را می‌گویند و در اینجا در وصف خورشید آمده‌است: « إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ » (یعنی آنگاه که خورشید درهم پیچیده شود و نور آن زایل گردد و به ظلمت و تاریکی گراید و جهان هستی در فعر تاریکی فرو رود). چون این حادثه یکی از نشانه‌های وقوع رستاخیز است و کلمه «کُورَت» بیانگر این حادثه مهم جهان طبیعت و مهم‌ترین نشانه وقوع رستاخیز است و در آغاز سوره نیز قرار گرفته، بدین جهت عیناً به عنوان نام این سوره انتخاب شده‌است. (محدثی/۵۱۵).

۲) این سوره را « تکویر » نیز می‌نامند؛ زیرا «تکویر» مصدر « کورت » و ریشه آن است که در آغاز سوره آمده‌است معنای آن و علت نام‌گذاری عیناً همان است که در نام‌گذاری اول گفته شد.

۲- آمار و شمارش

سوره کورت به اتفاق آراء ۲۹ آیه است ولی در تفسیر روح الجنان ۲۸ آیه شمارش شده‌است که از دلیل معتبری برخوردار نیست. تعداد کلمات آن ۱۰۴ و تعداد حروف آن ۴۳۴ است.

۳- مکان و زمان نزول

سوره تکویر قبل از هجرت در مکه نازل شده ولی در عین حال یکجا و به طور مجموع نازل نشده‌است بلکه آیات آن با فاصله‌های زمانی نازل و به تدریج کامل شده‌است.

۴- ترتیب سوره

سوره تکویر به ترتیب جمع آوری در قرآن « هشتادویکمین » سوره‌ای است که بعد از سوره « عبس » و قبل از سوره « انفطار » قرار گرفته، به ترتیب نزول « هفتمین » سوره‌ای است که بعد از سوره « لهب » و قبل از سوره « اعلی » نازل شده است و سومین سوره از سوره‌های هفتگانه « زمانیه » است که با کلمه « إذا » آغاز می‌شود و از نظر حجم از گروه « طوال » در گروه « مفصلات » یعنی از سوره‌های نسبتاً کوچک قرآن است و در اواخر حزب اول جزء ۳۰ قرار دارد. (همان/۵۱۵).

۵- ویژگی سوره

این سوره ۴ آیه سوگند دارد که در آیات ۱۸-۱۵ به ستارگان سیار و سرگردان و به شب هنگام و صبحگاهان که سپیده دم زند؛ سوگند یاد کرده تا تأکید کند بر این که قرآن از سوی خدا نازل شده است و آورنده آن نیز امانت‌دار و فرمان‌بردار و گیرنده آن هم از عقل کامل برخوردار است. بنابراین قرآن نه سخن بشر است و نه کوچک‌ترین تحریفی بدان راه دارد؛ کلامی است وحی محض مصون از تحریف.

۶- محتوای سوره تکویر

مهم‌ترین مطالب این سوره عبارت است از:

۱) تغییراتی که در آستانه وقوع رستاخیز در جهان خلقت اتفاق می‌افتد، حوادثی که بعد از قیامت در صحنه رستاخیز به وقوع می‌پیوندد، آثار و نتایج آن روز.

۲) سوگند به چند موضوع مهم، شب و صبح و بعضی از ستارگان و کرامت آسمانی جهت تجلیل از آن‌ها و تفهیم ارزش و اهمیت آن‌ها و وا داشتن افکار و اندیشه‌ها به تفکر و تدبیر در آن‌ها و کشف اسرار و حقایق نهفته آن‌ها.

۳) عظمت، حقانیت و اعتبار قرآن، امین وحی و آورنده آن و تحویل گیرنده آن.

۴) اخطار و هشدار به انسان در مورد انحراف و گمراهی با نزول و وجود قرآن که چراغ فروزان راه‌های تاریک است.

۵) غیر از اراده خدا، در جهان تکوین و تشریح هیچ اراده دیگری حاکم نیست.

بررسی سبک شناسی سوره تکویر

برای آنکه بتوانیم متنی را به لحاظ سبک شناسی تجزیه و تحلیل و بررسی کنیم لازم است توجیه روش شناختی داشته باشیم. یکی از ساده‌ترین و عملی‌ترین راه‌ها، تحلیل متن در چهار سطح آوایی، صرفی، نحوی و بلاغی است. در این چهار سطح با توجه به رابطه اجزا و سطوح با یکدیگر می‌توان به ساختار متن دست یافت.

بررسی آوا شناسی

اهمیت سطح آوایی در ارتباط با موضوع مورد بحث این است که صوت و موسیقی به کار برده شده در یک متن انفعالات درونی و احساسات نویسنده متن را به دست می‌دهد و همین انفعال درونی است که به تنوع صوت - مله، غنه، لین، ... - منجر می‌شود. ارتباط سطوح مختلف زبان با یکدیگر نیز کاملاً آشکار است و سطح آوایی گام اول برای مطالعه سطح‌های دیگر است و آهنگ حتی پیش از هر گونه مطالعه تفصیلی نثر وجود دارد. پوشیده نیست که موسیقی و صوت در جذب مخاطب و توجه بیش‌تر وی اثرگذار است و همین موسیقی می‌تواند زیباترین عنصر موجود در متن باشد.

الف) ساختار موسیقایی

موسیقی آیات سوره تکویر دارای نظم شگفت‌انگیز است و ارتباط بسیار دقیق با معانی و مقاصد آیات دارد هم‌نشینی واژه‌ها، نظام آوایی و معنایی این سوره متن زیبای ادبی را به وجود آورده‌است. آهنگ درونی واژه‌ها و نظام آوایی آنها، ساختار موسیقایی را به وجود می‌آورد که فضا را برای رشد و بالندگی واژه آماده می‌سازد (علوی مقدم/۷۳).

یکی از بارزترین عوامل پدیدآورنده ساختار موسیقایی در این سوره، تکرار است و نخستین جنبه از آن، تکرار نخستین واژه این سوره است یعنی (إذا) که به جز آیه هفتم و چهاردهم در ابتدای سایر آیات این بخش تکرار شده یعنی دوازده مرتبه. هم‌چنین تکرار حرف ربط (و) یازده مرتبه. از آیه دوم تا هفتم، واژگان میانی دارای مصوت بلند هستند به گونه‌ای که هنگام تلاوت، هر

آیه با مصوت کوتاه آغاز، با مصوت بلند واژگان میانی به اوج و دوباره با مصوت‌های کوتاه به پایان می‌رسد که این ترتیب آوایی حرکتی موج مانند را در ذهن تداعی می‌کند. فواصل آیات در این بخش همگی به مصوت (ت) ختم می‌شوند که حرفی مهموس انفجاری و دارای صفت شدت است.

بخش دوم سوره مبارکه تکویر را که از آیه پانزدهم آغاز می‌شود می‌توان به دو قسمت کوچک‌تر تقسیم کرد. از آیه ۱۵ تا ۱۸ و از آیه ۱۹ تا پایان سوره.

۱۵- فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ ۱۶- الْجَوَارِ الْكُنُوسِ ۱۷- وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ ۱۸- وَالصَّحِّحِ إِذَا تَنَفَّسَ

در این چهار آیه، هم‌حرفی مصوت (س) پیش از هر عنصر آوایی دیگر، خودنمایی می‌کند. می‌توان این بخش را واسطه و پلی میان قسمت قبلی و قسمت بعدی دانست چرا که پس از چهار بار سوگند به پنج سیاره‌ای که در آن زمان مهم‌ترین اجرام آسمانی شناخته شده محسوب می‌شدند: زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطارد (طباطبایی، ۲۰/ ۲۱۷؛ زمخشری، ۴/ ۷۱۱-۷۱۰؛ طبرسی، ۱۰/ ۶۷۷)، جواب قسم در آیه ۱۹ بیان می‌شود که پاسخ به یکی از ریشخندهای کافران و اتهامات آنهاست: «و ما تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»

از آیه ۱۵ به بعد، ضرب‌آهنگ کلمات به تدریج کُند می‌شود. مصوت‌های بلند اندک اندک افزایش می‌یابند و بر خلاف قسمت نخستین سوره که کثرت و غلبه مصوت‌های کوتاه و نوع جمله‌بندی آیات ریتمی تند به کلام می‌بخشید، با جمله‌های طولانی‌تر، افزایش تدریجی مصوت-های بلند و آرام شدن حال و هوای کلام مواجهیم که در آیه پایانی سوره به اوج خود می‌رسد. این نوع ضرب‌آهنگ و موسیقی کلام با حال و هوای مطالب مطرح شده در دو بخش اول و دوم سوره تکویر کاملاً هم‌خوانی و هماهنگی دارد. از جمله نکات قابل تأمل، فواصل آیات در این قسمت است. اگر به آخرین واژه هر آیه دقت کنیم درمی‌یابیم که فواصل آیات در این بخش به مصوت-های بلند و همچنین هجاهای بلند ختم شده‌است:

۱۹- کریم ۲۰- مکین ۲۱- آمین ۲۲- مجنون ۲۳- مبین ۲۴- ضنین ۲۵- رجیم ۲۶- تذهبون

۲۷- عالمین ۲۸- یستقیم ۲۹- عالمین

در این آیات شاهد ارزش موسیقایی فواصل آیات که به حروف مد و لین ختم می‌شوند هستیم که این نوع در قرآن فراوان به کار رفته و زمینه را برای وقف و سکوت مهیا می‌سازد و تأثیر روانی به سزایی بر مخاطب دارد (ابوزید/۳۵۳).

ب) تکرار صامت‌ها (هم‌حروفی)

تکرار صامت‌ها را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: یکی تعداد صامت‌هایی که در کل سوره بیش‌ترین تکرار را به خود اختصاص داده‌است و دوم دفعات تکرار صامت‌ها در هر آیه. در این سوره مبارکه ۴۱۸ صامت به کار رفته که در میان آنها صامت (ل) ۴۲ مرتبه، (ن) ۳۷ مرتبه، (أ) ۳۴ مرتبه، (م) ۳۰ مرتبه، (ر) ۲۹ مرتبه، و (و) ۲۹ مرتبه بیش‌ترین تکرار را به خود اختصاص داده‌اند. جالب این جاست که همه این شش صامت در صفت جهر و استفال مشترکند. چهار صامت (ر)، (ل)، (م) و (ن) بین شدت و رخوت هستند. همزه داراری صفت شدت و (و) دارای صفت رخوت است. (الصالح/۲۸۳-۲۸۱).

در ۱۲ آیه، آرایه هم‌حروفی دیده می‌شود، به این نمونه‌ها اکتفا می‌کنیم. در آیه ۲۹، همزه چهار مرتبه تکرار شده: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». تکرار این صامت که دارای دو صفت جهر و شدت است کاملاً با پیام آیه و حال و هوای آن، مطابقت دارد؛ زیرا یکی از اصلی‌ترین پیام‌های سوره تکویر بیان این نکته است که اراده بشر نمی‌تواند بیرون از محدوده اراده خدا باشد. این نکته مهم در فضای موسیقایی ناشی از صفات جهر و شدت، تأثیر بیش‌تری بر مخاطب دارد.

در آیه ۲۷، (ل) پنج بار تکرار شده: «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»، صفت جهر در صامت لام با پنج مرتبه تکرار کاملاً در خدمت ایجاد حال و هوای متناسب با محتوای آیه قرار دارد و توجه شنونده را به این نکته جلب می‌کند که این سخنان چیزی جز یادآوری برای همه مردم جهان، نیست. در آیات ۱۹ و ۲۰، صامت (ن) سه بار تکرار شده‌است: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ»، «ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ» این صامت، مجهور و از نظر صفت شدت و رخوت بینابین است و تکرار آن، کاملاً در خدمت اهداف آیه قرار دارد. در آیات ۲۱ و ۲۸ صامت (م) چهار مرتبه تکرار شده: «مُطَاعٌ ثَمَّ أَمِينٍ»، «لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ» صامت (م) از نظر صفات جهر، شدت و رخوت مانند صامت

(ن) است. در این دو آیه هم صفت جهر با شدت بیش‌تری به گوش می‌رسد و فضایی متناسب با محتوای آیات در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند.

صفات حروف

در این بخش حروف به کار رفته در این سوره را از جنبه برخی از مهم‌ترین صفات حروف بررسی می‌کنیم: صفاتی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته عبارتند از: جهر، همس، شدت، رخوت، بین شدت و رخوت، استعلاء، استفال و قلقله.

همانطور می‌بینیم، روند توزیع فراوانی صفت جهر و همس در سراسر سوره یکسان نیست و حرکتی موجی دارد و دارای فراز و فرود است به طوری که حروف مجهوره در آیات ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۶ و ۱۷، ۲۱، ۲۴ و ۲۷ بیش‌تر به چشم می‌خورد. این فراوانی در آیه ۲۴ (و ما هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ) به اوج خود می‌رسد که در آن خداوند عالم با تأکید اعلام می‌دارد رسول اکرم ﷺ در بیان وحی بخل نمی‌ورزد. حروف مهموسه در آیات ۱، ۱۰، ۵، ۱۸ و ۲۶ بیش‌تر وجود دارد که این ویژگی در آیه ۱۸ (و الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ) به اوج خود می‌رسد. نکته مهم اینجاست که دقیقاً در آیه بعد که توصیف جبرئیل به عنوان وحی آغاز می‌شود، نمودار حروف مجهور صعودی است. ارتباط معنایی این دو بخش و هماهنگی موسیقی کلام با آن، بسیار قابل تأمل است؛ گویی خداوند عالم برای بیان حقیقت وحی و رفع هرگونه شبهه و تردید، پس از فضای آرام ناشی از حروف مهموس آیه ۱۸، با خلق فضای موسیقایی ناشی از حروف مجهور و در قالب جواب قسم صراحتاً اعلام می‌کند. (إنه لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ)

از میان صفات بررسی شده در این مقاله، صفات جهر، استفال و افتتاح بیش‌ترین فراوانی را در این سوره دارد. با توجه به اینکه موسیقی ناشی از صفات افتتاح و جهر بروز و شدت بیش‌تری دارد و صفات افتتاح و استفال ۷۶٪ با هم تطابق دارند، فراوانی این صفات در این سوره، هماهنگی کامل با مفاهیم آن دارد. وضوح و شدت در موسیقی الفاظ در راستای اهداف تربیتی این سوره قرار دارد.

بر خلاف انتظار و با وجود ریتم تند و حال و هوای شدیدالحن محتوای سوره تکویر به ویژه در چهارده آیه اول آن، می‌بینیم صفات شدت، رخوت و بین شدت و رخوت از نوسان شدیدی برخوردار هستند و صفت رخوت به طور کلی بیش‌تر از شدت به چشم می‌خورد؛ صفت شدت در آیات ۸ و ۹ (وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ) به اوج خود می‌رسد. با توجه به پیام این آیات در نکوهش رسم دختر کشی، اوج گرفتن صفت شدت در اینجا کاملاً با پیام آیه هماهنگ است و می‌تواند هم نشان دهنده شدت زشتی این عمل باشد و هم شدت نهی الهی از انجام آن. صفت رخوت در آیات متعددی مانند ۱، ۵، ۱۰ و به خصوص آیات ۱۷ و ۱۸ از فراوانی بیش‌تری برخوردار است. ارتباط موسیقایی این دو آیه با آیه ۱۹ و هماهنگی آن با محتوای آنها بسیار قابل تأمل است؛ در دو آیه ۱۷ و ۱۸ یعنی: (وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ) شاهد اوج‌گیری صفت رخوت هستیم که حال و هوای آرامی به وجود می‌آورد و فضا را برای دقت و تأمل، فراهم می‌سازد. اما در آیه ۱۹ که جواب قسم است یعنی: (إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ) صفت شدت اوج می‌گیرد که با پیام آیه یعنی تأکید بر وحی بودن قرآن کاملاً تناسب دارد.

مصوت‌های کوتاه، بخش اعظم مصوت‌های این سوره را تشکیل می‌دهند و مصوت‌های بلند به تدریج از اوایل سوره شروع شده و هر چه به پایان سوره نزدیک می‌شویم به طور محسوسی افزایش می‌یابند. به همین دلیل، ضرب‌آهنگ تند اوایل سوره در آیه‌های پایانی به ضرب‌آهنگی کند مبدل می‌شود. این فضای موسیقایی کاملاً با مفاهیم مطرح شده در سوره هماهنگی دارد؛ در بخش اول سوره که نشانه‌های قیامت بیان شده ضرب‌آهنگ کلام تند و کوبنده است و در بخش دوم که مفاهیم اعتقادی در ارتباط با وحی و تبیین نقش خدا در هدایت انسان بیان می‌گردد، فضایی آرام حاکم می‌شود که شرایط را برای تفکر و تعمق مخاطب فراهم می‌سازد.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید نخستین آیه فاقد مصوت بلند است. مصوت‌های کوتاه و بلند در آیات ۲ تا ۸ به گونه‌ای یکسان به گوش می‌رسند که البته غلبه با مصوت‌های کوتاه است اما از آیه ۱۴ به بعد کم کم بر مصوت‌های بلند افزوده می‌شود تا اینکه در آیه پایانی به اوج خود می‌رسد. بدین ترتیب در این قسمت با فضایی آرام‌تر مواجه هستیم که کاملاً با فضای درنگ و تأمل در آیات پایانی همخوانی و تناسب دارد.

ساختار صرفی و نحوی

ساختار این جملات نیز کاملاً با اهداف سوره هماهنگی دارد. به عنوان مثال اگر خداوند متعال مفهوم تاریک شدن و در هم پیچیدن خورشید را با فعل معلوم و ذکر فاعل بیان می‌فرمود مثلاً: *إِنَّ اللَّهَ يُكَوِّرُ الشَّمْسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ* یا مثلاً با فعلی به جز تکویر مانند *يُطْفِئُ ضَوْهَا ...* هیچگاه تأثیری که این ساختار بر مخاطب دارد حاصل نمی‌شد. به کارگیری فعل از ریشه (ک- و -ر)، حذف فاعل، استفاده از صیغه مجهول، بیان بی مقدمه و استفاده از حداقل واژگان و پرهیز از اطناب و تفصیل و در آیات بعدی نیز به کار بردن همین ساختار و تکرار ادات إذا، ریتم تند جملات همه و همه در ایجاد جو روانی ترس، اضطراب، جلب توجه مخاطب به اهمیت موضوع نقش به سزایی ایفا کرده است. به این ترتیب به کارگیری فعل مجهول و زمان ماضی برای بیان وقایع هولناکی که قرار است در آینده رخ دهد بر عظمت و قطعیت آن وقایع دلالت می‌کند.

در آیات ۱-۱۴ بخش با نظم خاصی از جنبه نحوی و ساختار جمله‌بندی مواجهیم یعنی با نوعی توازن که حاصل فرایند قاعده افزایی است. در این آیات ما هم با توازن آوایی به شکل هم-حروفی و هم آوایی مواجه هستیم، هم با توازن واژگانی به شکل تکرار واژه و هم با توازن نحوی به شکل تکرار ساختارهای منظم دستوری.

- | | |
|---------------------------------|------------------------------------|
| ۱- إذا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ | ۸- و إذا المَوْءِدَةُ سَيْلَتْ |
| ۲- و إذا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ | ۹- بَأَى ذَنْبٍ قُتِلَتْ |
| ۳- و إذا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ | ۱۰- و إذا الصُّحُفُ نُشِرَتْ |
| ۴- و إذا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ | ۱۱- و إذا السَّمَاءُ كُشِطَتْ |
| ۵- و إذا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ | ۱۲- و إذا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ |
| ۶- و إذا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ | ۱۳- و إذا الْجَنَّةُ أُرْلَفَتْ |
| ۷- و إذا الْنُفُوسُ زُوِّجَتْ | ۱۴- عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ |

از این چهارده آیه، دوازده آیه دارای ساختار جمله‌بندی واحدی هستند که از سه واژه تشکیل شده‌است: (إِذَا + اسم + فعل). از این دوازده واژه، هفت کلمه، اسامی پدیده‌هایی طبیعی هستند که انسان به ویژه در عصر نزول قرآن با آنها ارتباط تنگاتنگی داشت: شمس، نجوم، جبال، عشار، وحوش، بحار، سماء. سه واژه با انسان مرتبط است: نفوس، مؤدّه و صحف. و دو واژه با سرنوشت انسان در جهان پس از مرگ ارتباط دارد: جحیم و جنّه ..

سوره با واژه (إِذَا) شروع می‌شود که در طی ۱۴ آیه ۱۲ مرتبه تکرار شده. (إِذَا) ادات ظرفیه و شرطیه‌ای است که برای شرط محقق الوقع به کار می‌رود (حسن، ۲۲۶۱-۲۶۰).

فعل (كُوِّرَتْ) که نخستین فعل نخستین آیه در این سوره است به صورت مجهول فقط در همین سوره مبارکه به کار رفته و یک مرتبه نیز در سوره مبارکه زَمْر آیه ۵ نیز به صورت معلوم به کار برده شده (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ). یعنی در سراسر قرآن کریم فقط دو مرتبه که هر دو سوره تکویر و زمر از سور مکی هستند. انتخاب این فعل کاملاً با اهداف سوره منطبق است. زیرا یکی از معانی واژه تکویر درهم پیچیدن عمامه است: « وَ كُوِّرَتْ الشَّمْسُ: جُمِعَ ضَوْءُهَا وَ لُفَّ كَمَا تُلْفُ الْعِمَامَةُ... وَ قَالَ مُجَاهِدٌ: كُوِّرَتْ اَضْمَحَلَتْ وَ ذَهَبَتْ » (ابن منظور، ۱۵۶/۵).

هر چهارده آیه به فعل ختم می‌شوند که از میان این چهارده فعل، دوازده مورد مجهول است، یک مورد لازم (انکدرت) و یک مورد متعدی (أحضرت) زمان تمام افعال، ماضی است و همه در صیغه‌ای به کار رفته‌اند که با واج (ت) به پایان می‌رسند. استفاده از افعال مجهول پدیده‌ای است که بنت الشاطی نیز به آن اشاره می‌کند و در کتاب خود از آن تحت عنوان استغنا از فاعل یاد می‌کند که در آیات مربوط به قیامت فراوان به کار رفته و تصریح می‌کند یکی از مهمترین دلالت‌های این نوع استعمال توجه دادن به واقعه مورد اشاره صرف نظر از فاعل است (بنت الشاطی/ ۲۴۳-۲۴۰).

اغراضی که علمای بلاغت برای حذف ذکر کرده‌اند عبارت است از: ۱- تفضیم و تعظیم ۲- ایجاد لذت ناشی از کشف محذوف ۳- ایجاز و اختصار ۴- ایجاد سجع (ابوزید، ۱۹۹۲، ۲۰۴). عبدالقاهر جرجانی در مبحثی که در دلائل الإعجاز در باب حذف مطرح کرده به انگیزه‌ها و دلایل

حذف مفعول می‌پردازد و تأکید می‌کند حذف مفعول، به منظور جلب توجه مخاطب نسبت به اثبات روی دادن فعل برای فاعل انجام می‌شود (الجرجانی/۱۸۹). همه این اغراض در سوره تکویر به چشم می‌خورد.

نمونه دیگر:

در آیه شریفه «وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ» (تکویر/۲۵) لفظ (رجیم) صفت است برای (شیطان) که نکته ذکر این صفت ممکن است مذمت شیطان باشد زیرا که رجیم به معنی مرجوم و رانده شده از درگاه خداوند متعال است که این خود زشت‌ترین صفت برای شیطان می‌باشد چنانچه ذکر صفت (رب العالمین) در آیه ۲۹ برای (الله) نکته‌اش مدح موصوف است به اینکه او پروردگار عالمیان است.

ساختار بلاغی

دانش بلاغت از دانش‌های کاربردی به شمار می‌رود که هدف از آن مزیت بخشیدن به سخن یا مصونیت آن از اشتباهات غیردستوری است که گاه به شیوه بیان معانی و گاه به شیوه هماهنگی سخن با موقعیت بیان آن و گاه به شیوه گزینش کلمات مربوط می‌شود. این سه شاخه به ترتیب در دانش‌های بیان، معانی و بدیع بحث می‌شوند. در قرآن کریم فصاحت و بلاغت در اوج خود قرار گرفته است بطوری که هر جن و انسی از آوردن مثل آن عاجز ماندند.

در این بخش به نکات بلاغی بکار رفته در سوره تکویر می‌پردازیم

(۱) تأکید

خداوند متعال در ضمن آیات شریفه پانزدهم تا هجدهم سه سوگند یاد فرموده (۱) «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ» (سوگند به ستارگان که باز می‌گردند) «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ» (و سوگند به شب هنگامی که پشت کند و به آخر رسد) (۳) «وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» (و قسم به صبح هنگامی که تنفس کند).

نکته بکارگیری خداوند متعال از سوگندهای سه گانه چیست؟ پاسخ این سوال مربوط می‌شود به علم معانی آنجا که دانشمندان بلاغت می‌گویند هرگاه متکلم بخواهد حکمی را برای مخاطب

خویش بیان کند که: (۱) مخاطب نسبت به آن جاهل و نا آگاه و خالی الذهن است، در این صورت لازم است کلام خود را خالی از تأکید بیان کند؛ (۲) و اگر مخاطب نسبت به آن شک و تردید دارد در این صورت تأکید کلام به منظور زدودن شک و ریب از صفحه ذهن مخاطب مستحسن و نیکوست؛ (۳) و اگر مخاطب نسبت به آن حکم، منکر باشد در این صورت تأکید کلام ضروری و لازم است و به هر مقدار که انکار مخاطب شدیدتر باشد واجب است به همان مقدار یا بیش‌تر از آن کلام خود را به وسیله ابزار تأکید، تأکد و قوت بخشد.

با توجه به این قاعده بلاغی روشن می‌شود که چرا خداوند متعال در مورد آیات مذکور، از قسم‌های سه گانه که موجب تأکید و تقویت است، استفاده فرموده و نکته به کارگیری آنها چیست؟ نکته‌اش این است که خداوند متعال در ادامه سه آیه شریفه مذکور می‌خواهد حکمی را که به نام (إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ) برای مخاطبینی بیان کند که جمعی از آنان در باره قرآن کریم دچار شک و تردید بودند و دسته‌ای از آنان منکر این حکم قطعی بوده و به شدت آن را انکار می‌کردند، اینجاست که خداوند متعال در برخورد با چنین مخاطبینی به منظور ابطال عقیده باطل آنان و برای زدودن حجاب ظلمت انکار از صفحه قلبشان، کلام خود را در آغاز به سه قسم تأکد می‌بخشد و سپس در جمله (إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ) که جواب قسم‌های مذکور بوده و بیانگر حکمی است که گروهی از مخاطبینش آن را به شدت انکار می‌کردند، کلام خود را به وسیله (إِنَّ) و جمله اسمیه و لام قسم، قوت بخشیده و آن را تأکید نموده‌است. نکته دوم: به کار رفتن صفت‌های پنجگانه (کریم، ذی قوه، مکین، مطاع، امین) برای رسول به منظور تأکید حکمی است که جمعی در آن شک و تردید داشتند و گروهی آن را به شدت انکار می‌نمودند و خیال می‌کردند قرآن ساخته فکر پیامبر اسلام ﷺ است و هیچ‌گونه ارتباطی با مبدء هستی ندارد. (ظهیری/۲۶۶-۲۶۵).

نمونه‌های دیگر:

در آیه شریفه ۲۴ «وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ» خداوند مشاهده کردن پیامبر اکرم ﷺ جبرئیل امین را در افق روشن، با (۱) لام قسم و (۲) قد تحقیقی، تأکید فرموده هم‌چنین در آیه ۲۴ «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ» خداوند متعال حکم «بخیل نبودن رسولش را نسبت به وحی» به (۱) جمله اسمیه (۲)

باء زائده، تاکید فرموده و این نیز بخاطر رعایت قاعده مذکور است در برخورد با مخاطبی که منکر این حکم است.

مجاز

در آیه شریفه «وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ» اسناد این فعل مجهول «سئِلَتْ» به ضمیر «هی» مستتر در آن که به (المؤوده) برمی‌گردد، از باب اسناد مجاز عقلی است زیرا آنکه (ماهوله) حقیقی سوال و باز پرسى است در باره دختری که زنده به گور شده، قاتلی است که او را زنده به گور کرده است، و (مؤوده) (دختر زنده به گور شده) تنها مورد سؤال است، اینکه چرا خداوند نفرموده (و اذا قاتل المؤمنة سئلت) این است که خداوند چنین قاتل بی رحمی را که فرزند خود را زنده به گور کرده قابل اینکه مورد سوال و پرسش واقع شود نمی‌بیند بلکه مستقیماً باید کیفر عمل بی رحمانه خود را که عذاب دردناک الهی است، ببیند. (همان/۲۵۵-۲۵۴).

استعاره

در آیه شریفه «وَ الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» کلمه (تنفس) استعاره تصریحیه است. (استعاره تصریحیه) عبارت است از اینکه متکلم در آغاز چیزی را به چیز دیگر در ذهن خود تشبیه کند و سپس مشبه به را ذکر کرده و از آن مشبه را اراده کند مانند: رایت اسداً فی الحمام، که متکلم در ذهن خود، رجل شجاعی را به شیر تشبیه نموده و سپس مشبه به (اسد) را ذکر کرده و از آن مشبه (رجل شجاع) را اراده نموده است و قید (فی الحمام) قرینه آن است و اما در مورد آیه شریفه مذکور خداوند متعال در آغاز، هوای لطیف پرتراوت حیات بخش صبحگاهی یا آشکار شدن سپیده طلوع صبح را به نفس آدمی که مایه حیات و زندگی است تشبیه فرموده و سپس مشبه به (تنفس) را ذکر کرده و از آن مشبه (نسیم لطیف صبح یا سپیده طلوع آن) را اراده نموده. (طباطبایی، ۲۰۳۵۷).

استثناء

در آیه شریفه «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (تکویر/۲۷) خداوند به وسیله استثناء (إِلَّا) عقیب نفی (إِنْ) که خود یکی از ابزار حصر است، قرآن مجید را منحصر در صفت (تذکر بودن) فرموده و این از قبیل قصر موصوف در صفت است و شاید اشاره به این نکته باشد که قرآن تصرف تکوینی

در قلوب انسان‌ها نمی‌کند بلکه تنها، راه صراط و سعادت را به او نشان داده و یادآوری عوامل سعادت و شقاوت است نه هدایت تکوینی که خود مستلزم جبر است. با توجه به این بیان، ممکن است حصر در آیه شریفه از نوع حصر قلب باشد به این معنا که برخی از مخاطبان قرآن به خیال باطل خود، چنین می‌پنداشتند که قرآن باید تصرف تکوینی در قلوب انسان‌ها بکند و وظیفه او تذکر و یادآوری عوامل سعادت و شقاوت نمی‌باشد، آیه شریفه مذکور به وسیله (استثناء عقیب نفی) این اعتقاد باطل را منقلب به عکس آن نموده و می‌فرماید وظیفه قرآن تنها تذکر و یادآوری عوامل سعادت و شقاوت است.

از نظر آهنگ پایانی آیات مذکور از چند صنعت بدیعی استفاده شده است:

سجع

سجع، کهن‌ترین سبک ادبی زبان عربی است که به نظر برخی ادب پژوهان حلقه ارتباطی نثر به شعر بوده است اسلوب سجع عبارت بود از بیان عباراتی کوتاه، رسا و محکم با فاصله‌هایی منظم و هم اندازه بین جملات و برخورداری هر جمله از نظم قافیه و گسترانیدن و پیچیدن معنا در طی عبارات با استفاده فراوان از تلمیحات، استعارات، کنایات و احیانا تعبیرهای معما گونه و راز آلود که امکان فهم چند معنا در آن متصور بود و از مسئولیت کاهن در برابر گفته خویش می‌کاست.

به کارگیری اسلوب سجع در شمار نسبتاً وسیعی از آیات قرآن در کنار وجود برخی شباهت‌های ظاهری همچون ادعای مشترک پیامبر ﷺ و کاهنان مبنی بر ارتباط با غیب، زمینه مناسبی برای مخالفان پیامبر ﷺ پدید آورده بود که او را از زمره کاهنان معرفی کرده اصالت و انحصار پیام او را نفی کنند. این اتهام به پیوست پاسخ خداوند به این اتهام و بیان تفاوت ماهوی کهنات و نبوت در آیاتی چند از قرآن بازتاب یافته است افزون بر آن در شمار زیادی از روایات نیز کاهنان نكوهش شده‌اند و مراجعه به آنها کفر و منبع دانش آنها شیاطین معرفی شده که پس از نزول پیامبر ﷺ همین راه ارتباطی نیز بر آنها بسته شد.

اسلوب سجع به آیات قرآن به ویژه در دوره مکی این امکان را بخشیده که پندها و پیام‌های متنوع و داستان‌ها و امثال گوناگون را در کوتاه‌ترین عبارات در قالبی منظم به هم دوخته، با

برانگیختن پیاپی احساسات و عواطف شنوندگان از ترس و شوق و شرم و خشم و... آنها را ناخودآگاه به ایمان و تسلیم وادارد.

سوره تکویر جزء سوره‌هایی هست که از آرایه سجع بیش‌تر استفاده شده‌است. مانند:

(۱) سجع مرصع: که عبارت است از اینکه همه یا اکثر کلمات دو آیه یا دو مصرع شعر از نظر وزن و قافیه (آخرین حرف کلمه پایانی) یکسان باشند، خداوند متعال این صنعت را در مورد آیات شریفه وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳) وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) وَ اللَّيْلُ إِذَا عَسْعَسَ (۱۷) وَ الصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸).

(۲) سجع متوازی: عبارت است از یکسان بودن کلمه پایانی دو آیه یا دو مصرع و بیش‌تر از نظر وزن و قافیه. مانند آیات زیر:

وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶) وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷) وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹) وَ إِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰) وَ إِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱) وَ اللَّيْلُ إِذَا عَسْعَسَ (۱۷) وَ الصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸).

(۳) سجع مطرف: به معنی مختلف بودن وزن کلمه پایانی آن‌هاست مانند آیات زیر:

مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ (۲۱) وَ لَقَدْ رَأَاهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (۲۳) فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶) إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷)

نتیجه

سوره مبارکه تکویر از ساختارهای زبانی و موسیقایی هماهنگ و منظمی تشکیل شده که همه اجزاء و عناصر آن در ارتباطی منظم و منسجم با یکدیگر قرار دارند و همه در خدمت محتوا و اهداف این سوره به کار گرفته شده‌اند. محتوای سوره مبارکه تکویر در بخش اول یعنی از آیه ۱ تا ۱۴ عبارت است از: ۱- بیان نشانه‌های قیامت ۲- تأکید بر نقش و اهمیت کلیدی عملکرد هر انسان در تعیین سرنوشت او در جهان پس از مرگ و در بخش دوم یعنی از آیه ۱۵ تا ۲۹ عبارت است از: ۱- منزه دانستن رسول اکرم ﷺ از جنون ۴- منزه دانستن قرآن کریم از مداخله شیطان ۵- تأکید بر جهانی بودن پیام وحی ۶- تأکید بر اختیار انسان در انتخاب مسیر زندگی ۷- تأکید بر نقش اراده خداوند و احاطه آن بر خواست و اراده آدمی

این محتوا بر مبنای تسلسلی منظم و با مقدمه چینی هدفمند بیان شده به گونه‌ای که بخش اول به منزله مقدمه چینی برای بیان موضوعات بخش دوم است. از سوی دیگر ساختار زبانی و موسیقایی نیز کاملاً در خدمت این محتوا قرار دارد. انتخاب واژه‌ها، استفاده از افعال مجهول، رعایت فواصل آیات متناسب با موضوع هر قسمت. برجسته سازی از طریق قاعده افزایشی و به صورت توازن آوایی، واژگانی و نحوی به ویژه در بخش اول کاملاً مشهود است. ساختار منظم نحوی، استفاده گسترده از تکنیک تکرار چه در سطح حروف و چه واژگان و نیز ساختارهای نحوی، ضرب‌آهنگ تند موسیقی کلام در چهارده آیه اول کاملاً با حال و هوای روانی که اهداف تربیتی و تعلیمی این آیات دنبال می‌کنند هماهنگی دارد و به خوبی مخاطب را برای دریافت آموزه‌های بخش دوم آماده می‌کند. در حالی که در بخش دوم سوره با ریتمی کندتر و فضایی آرام‌تر مواجه هستیم که کاملاً با فضای درنگ و تأمل در آیات پایانی همخوانی و تناسب دارد.



منابع

قرآن.

- ۱) بهار، محمدتقی، سبک شناسی نثر، تهران: پرستو و امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۹ش.
- ۲) دیانتی، محمد، پیش درآمدی بر سبک شناسی قرآن، نشریه علوم و معارف قرآن، ۲، ۱۳۷۵ش.
- ۳) طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه، موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
- ۴) شمیسا، ظهیر، کلیات سبک شناسی، تهران: میترا، چاپ سوم، ۱۳۸۳ش.
- ۵) نهایندی، علی، کشف اصطلاحات الفنون، تهران: بی‌جا، ۱۱۵۸ق.
- ۶) جاحظ، عمر، الحیوان، بیروت: دار احیا التراث العربی، ۱۳۵۷ش.
- ۷) ظهیری، عباس، تجزیه و ترکیب بلاغت قرآن، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۳۹.
- ۸) محدثی، جواد، آشنایی با سوره‌ها، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۰ش.
- ۱۰) بنت الشاطی، عایشه، اعجاز بیانی قرآن، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ش.
- ۱۱) ابن منظور، احمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۳۷۵ق.
- ۱۲) عباس، حسن، نحو الوافی، قاهره: دارالمعارف، ۱۳۴۵ش.
- ۱۳) بینات، مصاحبه با آیت الله معرفت، ش ۶،
- ۱۴) زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- ۱۵) طبرسی، فضل بن حسین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.